

# دروس فی علم الاصول

## لشہید الصدر

### الحلقة الثالثة

درس ۹۹

استاد: حجت الاسلام و المسلمین علم الہدی  
آموزشیار: آقای یاسر سعادت

## مقدمه

در درس‌های قبل بیان شد که در مورد امکان و یا امتناع شرط متأخر، دو قول وجود دارد و شهید صدر قائل به امتناع شرط متأخر شد، حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا بحث از امکان و یا امتناع شرط متأخر، ثمره عملی هم دارد یا فقط یک بحث علمی می‌باشد در این درس دو ثمره عملی مترتب بر امکان شرط متأخر بیان می‌گردد و در ادامه درس وارد مبحث بعدی یعنی زمان وجوب واجب می‌شویم در ابتدا به تعریف زمان واجب و وجوب پرداخته و سپس به سؤال اصلی آن مبحث می‌پردازیم که عبارت است از این‌که:

آیا امکان دارد زمان وجوب، زودتر از زمان واجب حاصل گردد؟

آیا تفکیکی بین این دو زمان در خارج وجود دارد و یا این تفکیک فقط در عالم ذهن و خیال است؟  
برخی به پیروی از صاحب فصول آن را ممکن دانسته و آن را واجب معلق نامیده‌اند و برخی دیگر قائل به امتناع آن شده‌اند و اشکالاتی را بر آن وارد نموده‌اند در این درس به اشکال لغویت واجب معلق اشاره خواهیم نمود.

## متن درس

و ثمرة البحث في الشرط المتأخر إمكاناً و امتناعاً، تظهر من ناحية في إمكان الواجب المعلق و امتناعه، فقد تقدم في الحلقة السابقة ان إمكان الواجب المعلق يرتبط بإمكان الشرط المتأخر و تظهر من ناحية أخرى فيما إذا دل الدليل على شرطية شيء كرضا المالك الذي دل الدليل على شرطيته في نفوذ البيع و تردد الأمر بين كونه شرطاً متقدماً، أو متأخراً، فانه على القول بامتناع الشرط المتأخر يتعين الالتزام بكونه شرطاً مقارناً، فيقال في المثال بصحة عقد الفضولي على نحو النقل لأن الحمل على الشرط المتأخر، ان كان بالمعنى الحقيقي للشرط المتأخر فهو غير معقول، و ان كان بالتأويل فهو خلاف ظاهر الدليل، لأن ظاهره شرطية نفس الرضا، لا كون العقد ملحقاً به، و اما على الثاني فلا بد من اتباع ما يقتضيه ظاهر الأدلة أي شيء كان زمان

## الوجوب و الواجب

لا شك في ان زمان الوجوب لا يمكن ان يتقدم بكامله على زمان الواجب، و لكن وقع الكلام في انه هل يمكن ان يبدأ قبله أولاً؟ و مثاله ان يفترض ان وجوب صيام شهر رمضان يبدأ من حين طلوع هلاله، غير ان زمان الواجب يبدأ بعد ذلك عند طلوع الفجر.

و قد ذهب جملة من الأصوليين كصاحب الفصول إلى إمكان ذلك و سمي هذا النحو من الوجوب بالمعلق، تمييزاً له عن الوجوب المشروط.

فكل منهما ليس ناجزاً بتمام المعنى غير ان ذلك في المشروط ينشأ من إناطة الوجوب بشرط و في المعلق من عدم مجيء زمان الواجب. فان قيل إذا كان زمان الواجب متأخراً، و لا يبدأ الا عند طلوع الفجر، فما الداعي للمولى إلى جعل الوجوب يبدأ من حين طلوع الهلال ما دام وجوباً معطلاً عن الامتثال أو ليس ذلك لغواً؟

## ثمره بحث امکان شرط متأخر

### ثمره اول: امکان یا امتناع واجب معلق

اگر شرط متأخر را محال بدانیم، واجب معلق نیز محال خواهد بود؛ و اگر شرط متأخر را ممکن بدانیم، واجب معلق نیز ممکن خواهد بود.

### کیفیت ارتباط امکان واجب معلق با امکان شرط متأخر

اگر شخصی در غیر اشهر حج به سبب هدیه گرفتن مالی مستطیع گردد این سؤال مطرح می گردد که آیا وجوب حج از حین اهدا و استطاعت ثابت می شود یا از زمان فرا رسیدن اشهر حج برخی از فقها قائل شده اند که وجوب حج از زمان هدیه گرفتن ثابت می شود و بر مکلف تصرف در این اموال جایز نیست؛ بلکه لازم است آن اموال را تا فرا رسیدن ایام حج حفظ کند تا بتواند حج را در ایام خودش اتیان نماید. بنابراین قول وجوب حج از زمان اهدا، فعلیت پیدا می کند. غایت امر این است که واجب - حج -، متأخر و معلق بر آمدن اشهر حج می باشد و اصطلاح واجب معلق را بر آن نهاده اند و بنابراین قول اگر چه وجوب از زمان اهدا ثابت شده است، اما این واجب مشروط به این است که مکلف در ایام حج عاقل و قادر بر حج باشد که عاقل و قادر بودن مکلف در ایام حج، شرط متأخر برای حج واجب می باشد؛ لذا اگر کسی قائل به امتناع شرط متأخر باشد، واجب معلق را نیز محال می داند.

### ثمره دوم: تفاوت در چگونگی برخورد با ادله کلام

قائل به امکان شرط متأخر دستش در فهم ادله بازتر خواهد بود و هر آنچه را که دلیل حکم کند، بدون محذوری به آن ملتزم می گردد و از آنجا که برخی از ادله مثل اجازه مالک در بیع فضولی، ظهور در شرط متأخر دارند قائل به امکان شرط متأخر، بدون هیچ محذوری آن را شرط متأخر می داند.

اما قائل به امتناع شرط متأخر چون شرط متأخر را محال می داند به ناچار باید آن چه را که در ظاهر ادله، شرط متأخر دانسته شده است، تأویل و تحویل به شرط مقارن ببرد و چون این تأویل گاهی خلاف ظاهر است نمی تواند به آن ملتزم گردد؛ مثلاً در بیع فضولی ظاهر ادله در کاشفه بودن اجازه مالک می باشد و از آنجا که کاشفه بودن همان شرطیت متأخر اجازه مالک، برای صحت بیع فضولی می باشد؛ قائل به امتناع نمی تواند به آن ملتزم شود همچنین نمی تواند آن را تأویل به شرط مقارن ببرد؛ زیرا ادله صحت بیع فضولی با اجازه مالک ظهور در کاشفیت و شرط متأخر بودن اجازه مالک دارد. پس تأویل و تحویل آن به عَوْب و لحوق اجازه که امری مقارن با عقد است، خلاف ظاهر می باشد؛ لذا به ناچار کسی که قائل به امتناع شرط متأخر است باید قائل به ناقله بودن اجازه گردد.

Scor: ۱۰: ۵۴

### زمان وجوب و واجب

**سؤال:** آیا می شود زمان وجوب، منفک از زمان واجب گردد؟ به عبارت دیگر آیا ممکن است زمان وجوب به طور کلی متقدم و یا متأخر از زمان واجب گردد؟

**جواب:** زمان وجوب نمی تواند به طور کلی منفک از واجب باشد؛ زیرا ثمره فعلیت وجوب، الزامی گشتن امثال واجب بر مکلف می باشد لذا معل ندارد که یک وجوبی زمانی فعلیت یابد و آن زمان سپری گردد و مکلف حق انجام واجب را نداشته باشد.

## تعریف زمان وجوب:

زمانی است که وجوب در آن فعلیت پیدا می‌کند؛ مثل زمان ما بین زوال شمس تا غروب آفتاب که وجوب نماز ظهر در آن فعلیت پیدا می‌کند.

## تعریف زمان واجب:

زمانی است که مکلف مجاز است که واجب را در آن زمان بجا آورد و اتيان و واجب در آن زمان مجزی می‌باشد؛ مثل زمان ما بین زوال شمس تا غروب آفتاب که مکلف مجاز است واجب را در آن زمان اتيان نماید.

## سؤال و محور اصلی بحث

آیا می‌شود زمان وجوب زودتر از زمان واجب حاصل گردد؟ و آیا تفکیکی بین این دو زمان در خارج وجود دارد؟ و یا این تفکیک فقط در عالم ذهن و خیال است؟

**جواب:** برخی به پیروی از صاحب فصول گفته‌اند که می‌شود زمان وجوب فعلیت پیدا کند؛ اما زمان اتيان واجب، بعداً حاصل گردد و آن را واجب معلق نامیده‌اند و برای واجب معلق وجوب صوم را مثال زده‌اند و گفته‌اند که با رؤیت هلال ماه رمضان، وجوب صوم فعلیت پیدا می‌کند در حالی که زمان اتيان واجب از هنگام طلوع فجر می‌باشد.

## مؤایسه بین واجب معلق و مشروط

واجب معلق با واجب مشروط در نقصان و عدم تنجز مشترکند؛ اما در وجه نقصان و عدم تنجز با هم فرق دارند که علت عدم تنجز در واجب معلق، عدم فرارسیدن زمان آن می‌باشد؛ ولی علت عدم تنجز واجب مشروط عدم تحقق شرطش می‌باشد.

## اشکال لغویت بر واجب معلق

آیا فعلیت وجوب، قبل از فرارسیدن زمان اتيان واجب، لغو نیست؟ به عبارت دیگر وقتی وجوب دارای اثر است که بتوان واجب را اتيان نمود؛ در حالی که مکلف در واجب معلق، قبل از فرارسیدن زمان واجب، مجاز به اتيان واجب نمی‌باشد؛ پس ثمره‌ای بر فعلیت وجوب بدون فرارسیدن زمان واجب نمی‌باشد و فعلیت وجوب بدون مجاز بودن مکلف به اتيان واجب لغو می‌باشد. در درس بعد به توضیح بیشتر در این باره خواهیم پرداخت.

Scor: ۲۵: ۲۸

## چکیده

۱. دو ثمره عملی بر امکان شرط متأخر مترتب می‌باشد:

الف- امکان واجب معلق، متوقف بر امکان شرط متأخر می‌باشد و اگر قائل به امتناع شرط متأخر شویم واجب معلق نیز محال خواهد بود.

ب- قائل به امکان شرط متأخر دستش در ادله بازتر خواهد بود و اگر دلیلی ظهور در قید متأخر داشته باشد بدون هیچ محذوری قائل به آن می‌شود؛ به خلاف قائل به امتناع که باید آن را تأویل و تحویل به شرط مقارن ببرد.

۲. زمان وجوب زمانی است که وجوب در آن فعلیت پیدا می‌کند؛ مثل زمان ما بین زوال شمس تا غروب آفتاب که وجوب نماز ظهر در آن فعلیت پیدا می‌کند.

۳. زمان واجب زمانی است که مکلف مجاز است که واجب را در آن زمان بجا آورد و اتیان و واجب در آن زمان مجزای می‌باشد؛ مثل زمان ما بین زوال شمس تا غروب آفتاب که مکلف مجاز است واجب را در آن زمان اتیان نماید.

۴. برخی به تبع صاحب فصول قائل شده‌اند که می‌شود زمان وجوب قبل از فرارسیدن زمان اتیان واجب، فعلیت پیدا کند و در اصطلاح آن را واجب معلق نامیده‌اند و به وجوب صوم عند رؤیة الهلال مثال زده‌اند که وجوب از زمان رؤیت هلال فعلیت پیدا می‌کند، اما زمان اتیان واجب از زمان طلوع فجر می‌باشد.

۵. واجب معلق و واجب مشروط در عدم تنجز و نقصان مشترکند؛ ولی در وجه نقصان با هم تفاوت دارند که وجه نقصان در واجب معلق، عدم فرارسیدن زمان اتیان واجب می‌باشد و وجه عدم تنجز واجب مشروط عدم تحقق شرطش می‌باشد.

۶. از آنجا که ثمره فعلیت وجوب الزامی گشتن امثال واجب بر مکلف می‌باشد، فعلیت وجوب، بدون اجازه اتیان واجب بی‌ثمر و لغو خواهد بود و کار لغو از شارع مقدس سر نمی‌زند؛ لذا فعلیت وجوب بدون فرارسیدن زمان اتیان واجب، به خاطر لغویت محال می‌باشد. به عبارت دیگر واجب معلق بی‌ثمر و لغو است؛ لذا فعلیت وجوب قبل از فرارسیدن زمان اتیان واجب ممکن نمی‌باشد.